

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴ (پیاپی ۴۲)
(ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی)

بررسی قالب‌های شعر فروغ فرخزاد

دکتر سید کاظم موسوی*
دانشگاه شهرکرد

چکیده

در این مقاله، تمام قالب‌های شعر فروغ فرخزاد، مورد بررسی قرار گرفته است. اگر سه عنصر وزن، قافیه، و شیوه نوشتاری را، عناصر مؤثر در به وجود آمدن قالب‌های شعر بدانیم، قالب‌های موجود در پنج مجموعه شعر او را، می‌توانیم به قالب‌های: نیمه سنتی، چهار پاره نو، (عامی - آهنگی)، نیمایی و نیمایی نو (سبک شخصی فروغ) تقسیم نماییم. عنوان‌های (عامی - آهنگی) و نیمایی نو (سبک شخصی فروغ)، عناوینی است که با توجه به شکل اشعار، به بعضی از اشعار فروغ فرخزاد نسبت داده شده است. بحث محوری این مقاله، درباره قالب نیمایی نو (سبک شخصی فروغ) است که ضمن نقد و رد نظر بعضی صاحب‌نظران، نظریه جدیدی ارائه گردیده و نوعی آشنایی زدایی، نسبت به قالب نیمایی، برای نزدیک شدن شعر به طبیعت نثر که در این اشعار وجود دارد، نشان داده شده است.

واژه‌های کلیدی: ۱. قالب ۲. نیمایی نو (سبک شخصی فروغ) ۳. عامی - آهنگی ۴. سمایی - حسی ۵. ضرب آهنگی.

۱. مقدمه

نوگرایی در قالب شعر، از دیر باز در شعر فارسی رواج داشته است. فاصله زمانی شکل‌گیری قالب‌های قصیده، غزل و مستزاد، به چندین قرن می‌رسد. این مطلب، نشان می‌دهد که شاعران در هر زمان، با توجه به شرایط خاص بیانی، درصدد قالب شکنی بوده‌اند. وجود غزل در مثنوی (عیوقی: ۱۳۴۳)؛ تغییر وزن در یک غزل (مولوی: ۱۳۷۷)؛ تبدیل ردیف به قافیه و بالعکس (مولوی: ۱۳۷۷) از نمونه‌های این نوظواهری است. برخی معتقدند که این نوگرایی‌ها، همیشه عنصر وزن را با خود داشته؛ اگر چه اعتبار آن، در بین همه، یکسان نبوده است. «نتیجه می‌گیریم که شعر از آغاز پیدایش و نزد همه اقوام با وزن ملازمه داشته و هرگز، در هیچ زبانی سخن ناموزون شعر خوانده نمی‌شود. با این تفاوت که اعتبار وزن، همیشه و نزد همه ملل، یکسان نیست» (خانلری، ۱۷: ۱۳۷۳).

درباره تغییر یا نبود قافیه در شعر نیز از سابقه طولانی سخن رفته است. «اما درباره قافیه چنین نیست؛ زیرا در شعر زبان‌های قدیم هند و اروپایی، مانند سنسکریت و یونانی و لاتینی، قافیه نبوده است و در زبان‌های ایرانی و اوستایی و پارتی و پهلوی نیز آنچه تاکنون از جنس شعر شمرده شده؛ از قافیه عاری است» (خانلری، ۱۷: ۱۳۷۳). «آزمایش برای شعر بی‌قافیه در ایران بی‌سابقه نیست؛ به موجب روایت خواجه نصیر، یک تن از قدما به نام خشویی، کتابی داشته موسوم به «یوبه نامه» و محتوای اشعار بی‌قافیه «زرین کوب، ۹۹: ۱۳۷۲». وجود عیوب قافیه مانند: اکفاء (اختلاف در حروف روی)، سناد (اختلاف در ردیف)، اقواء (اختلاف در حرکات قافیه) دلیلی دیگر بر کم‌اهمیتی قافیه از نظر گذشتگان است. «وزن و قافیه ارزش دارد؛ اما به عنوان یک ابزار و قافیه در بسیاری از موارد، ابزار هم

نیست و مانع جریان اندیشه و بیان است» (استعلامی، ۱۴: ۲۵۳۶).

امروزه نیما را پدر شعر نو و پدید آورنده قالب نیمایی می‌شناسند. دلیل این امر، اعتقاد و پایداری او در ساخت شعر نو بوده است؛ اما او نخستین کسی نبود که در قالب شعر عروضی تغییر و تحول صورت داد. آقای شمس لنگرودی در کتاب ارزشمند «تاریخ تحلیلی شعر نو»، نخستین سراینده شعر نو را، «ابوالقاسم لاهوتی» می‌داند؛ «اما قطعی است که نخستین شعر نو در ایران را، به تاریخ ۱۲۸۸ ه. ش، ابوالقاسم لاهوتی سروده است» (لنگرودی، ۶۵: ۱۳۷۷). «شمس کسمایی» در شعر «پرورش طبیعت» که از دو بند تشکیل یافته است، همسانی تعداد پاره‌ها در هر بند و نیز تعداد ارکان در هر پاره را، در هم می‌ریزد. قالب شعر او از نظر کاربرد قافیه، نسبت به شعر لاهوتی، منسجم‌تر و به قالب نیمایی نزدیک‌تر است. «جعفر خامنه‌ای» ضمن ارائه قالب «چهار پاره نو»، قافیه را با توجه به موسیقی حروف، در حرف روی قرار می‌دهد و کلمات «مجروح» را با «اندوه» و «گویم» را با «هم» هم قافیه می‌کند. میرزاده عشقی، شعری با عنوان «برگ باد برده» ارائه می‌دهد که در نوع خود، قالبی کامل‌تر و منظم‌تر است. پس از نیما، پیروان او، قالب تدوینی او را گسترش و انواع دیگری به دست دادند. شعر سپید، حجم، موج نو و... نمونه‌های این گسترش‌اند. فروغ فرخزاد نیز به نوعی در گسترش قالب‌های نیمایی سهم داشته است.

۲. قالب در شعر فروغ فرخزاد

با توجه به سه عنصر وزن، قافیه و شیوه نوشتاری، اشعار فروغ به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱. ۲. قالب نیمه سنتی

در این گروه، اشعاری قرار دارد که از نظر تساوی ارکان در ابیات و همسانی وزن، یکسان است؛ اما تغییراتی در شیوه نوشتاری و کاربرد قافیه صورت گرفته است. «اشعار عاشقانه» و «مرداب» در مجموعه «تولد دی‌دیگر»، در قالب مثنوی سروده شده است و شیوه نوشتاری به صورت زیرنویس است. در این شیوه، یک شعر از نظر وزن و قافیه، همانند قالب‌های قدیم است، اما با تغییر شیوه نوشتاری؛ یعنی به جای این که مصراع‌ها در مقابل هم نوشته شود، زیر هم نوشته می‌شود و همین امر سبب می‌شود که خواننده از نظر دیداری، یک بیت را یک واحد شعری نپندارد، بلکه گوئی با نوعی جدید از شعر مواجه است. قسمتی از شعر «عاشقانه» برای نمونه:

ای شب از رویای تو رنگین شده
سینه از عطر توام سنگین شده
ای به روی چشم من گسترده خویش
شادیم بخشیده از اندوه بیش
همچو بارانی که شوید جسم خاک
هستیم زآلودگی‌ها کرده پاک
ای تپش‌های تن سوزان من
آتشی در سایه مژگان من
ای ز گندم زارها سرشارتر
ای ز زرین شاخه‌ها پربارتر

(فرخزاد، ۵۵: ۱۳۶۹)

شعر «غزل» در همین مجموعه، در قالب غزل سروده شده و تنها تغییر آن، در شیوه نوشتاری است:

چون سنگ‌ها صدای مرا گوش می‌کنی
سنگی و ناشنیده فراموش می‌کنی
رگبار نو بهاری و خواب دریاچه را

از ضربه‌های وسوسه مغشوش می‌کنی
دست مرا که ساقه سبز نوازش است
با برگ‌های مرده هم‌آغوش می‌کنی
گمراه‌تر ز روح شرابی و دیده را
در شعله می‌نشانی و مدهوش می‌کنی
ای ماهی طلاپی مرداب خون من
خوش باد مستیت که مرا نوش می‌کنی
تو دره بنفش غروبی که روز را
بر سینه می‌فشاری و خاموش می‌کنی
در سایه‌ها فروغ تو بنشست و رنگ باخت
او را به سایه از چه سیه پوش می‌کنی؟

(همان، ۳۳: ۱۳۶۹)

شعر «میان تاریکی» که در همین مجموعه شعر قرار دارد، از نظر وزن و تعداد ارکان در هر بیت، یکسان است. تغییراتی که داده شده؛ یکی در شیوه نوشتاری و دیگری در کاربرد قافیه است. قافیه، یا به کار نرفته یا آن جا که به کار رفته، جایگاه مشخصی ندارد. به دلیل وجود دو رکن در هر مصراع، از نظر آهنگ نیز نوعی ضرب آهنگی در آن وجود دارد. قسمت‌هایی از آن به عنوان نمونه ارائه می‌گردد:

میان تاریکی
ترا صدا کردم
سکوت بود و نسیم
که پرده را می‌برد
در آسمان ملول، ستاره‌ای می‌سوخت
ستاره‌ای می‌رفت
ستاره‌ای می‌مرد
ترا صدا کردم، ترا صدا کردم
تمام هستی من
چو یک پیاله شیر
میان دستم بود
نگاه آبی ماه،
به شیشه‌ها می‌خورد
ترانه‌ای غمناک
چو دود برمی‌خاست
ز شهر زنجره‌ها
چو دود می‌لغزید
به روی پنجره‌ها... (همان، ۴۰: ۱۳۶۹).

شعر «شعر سفر» در مجموعه «تولد دیگر»، شعری است که از نظر قالب، ترکیبی از چند قالب عروضی است. این شعر، از سه بند تشکیل شده است. بندها به ترتیب دارای چهار، یازده و شش پاره و از نظر ارکان (فاعلاتن مفاعلتن) مساوی هستند؛ اما بند اول، به صورت دو بیتی است. در بند دوم، ابیات یک، دو و سه، به صورت قصیده،

پاره هفتم مستقل و دو بیت آخر، به صورت دو بیتی است. در بند سوم، بیت اول و سوم، بدون قافیه؛ بیت دوم، به صورت مثنوی ارائه شده و مصراع دوم و ششم این بند، هم قافیه هستند. شیوه نوشتاری نیز به صورت زیرنویس است.

همه شب با دلم کسی می‌گفت
 «سخت آشفته‌ای ز دیدارش
 صبحدم با ستارگان سپید
 می‌رود، می‌رود، نگهدارش»

من به بوی تو رفته از دنیا
 بی‌خبر از فریب فرداها
 روی مژگان نازکم می‌ریخت
 چشم‌های تو چون غبار طلا
 تنم از حس دست‌های تو داغ
 گیسویم در تنفس تو رها
 می‌شکفتم ز عشق و می‌گفتم
 «هر که دل داده شد به دلدارش
 ننشیند به قصد آزارش
 برود، چشم من به دنبالش
 برود، عشق من نگهدارش»

آه، اکنون تو رفته‌ای و غروب
 سایه می‌گسترده به سینه راه
 نرم نرمک خدای تیره غم
 می‌نهد پنا به معبد نگهم
 می‌نویسد به روی هر دیوار

آیه‌هایی همه سیاه سیاه (همان، ۲۸: ۱۳۶۹)

در مجموعه «اسیر» شعر «صدایی در شب» به صورت (چهار پاره - مسمط) است. از پنج بند تشکیل شده و هر بند از چهار پاره، به صورت «چهار پاره نو» و یک پاره به صورت مسمط ساخته شده است و قافیه در این پاره مسمط، رعایت نشده است.

۲.۲. قالب چهار پاره نو

هفتاد و پنج شعر از اشعار فروغ فرخزاد، در این قالب سروده شده است. شصت و نه شعر، بدون هیچ تغییری، به طور دقیق در همین قالب و شش شعر دیگر، با تغییراتی در تعداد پاره‌ها و ارکان ارائه شده است. همانگونه که قبلاً ذکر شد، ارتباط طولی در این قالب، وجود دارد؛ اما هر بند از چهار پاره تشکیل شده که از نظر تعداد ارکان و وزن در هر پاره یکسان و قافیه در پاره‌های دوم و چهارم رعایت شده است. برای نمونه، قسمتی از یک چهار پاره بدون تغییر ارائه می‌گردد:

امشب بر آستان جلال تو
 آشفته‌ام ز وسوسه الهام
 جانم از این تلاش به تنگ آمد
 ای شعر... ای الهه خون‌آشام

دیربست کان سرود خدایی را
در گوش من به مهر نمی‌خوانی
دانم که باز تشنه خون هستی
اما... بس است این همه قربانی

خوش غافلی که از سر خودخواهی
با بندهات به قهر چه‌ها کردی
چون مهر خویش در دلش افکندی
او را ز هر چه داشت جدا کردی
دردا که تا به روی تو خندیدم
در رنج من نشستی و کوشیدی
اشکم چو رنگ خون شقایق شد

آن را به جام کردی و نوشیدی (فرخزاد، ۴۳: ۱۳۵۰)

در مجموعه «اسیر» شعری با عنوان «ناشناس» وجود دارد که از نه بند تشکیل شده، هشت بند اول، در قالب چهار پاره و تنها بند نهم، دارای پنج پاره است و قافیه در پاره‌های دوم و چهارم و پنجم، رعایت شده است. در همین مجموعه، شعر، «حلقه» دارای شش بند است که بند اول و دوم، از چهار پاره تشکیل یافته و قافیه نیز در پاره‌های دوم و چهارم آمده است. بند سوم، دارای سه پاره است و پاره‌های اول و سوم هم قافیه هستند. بند چهارم، از یک پاره مستقل و بندهای پنجم و ششم از چهار پاره تشکیل شده که در بند پنجم قافیه در پاره‌های اول و چهارم و در بند ششم، قافیه در پاره‌های سوم و چهارم آمده است. شعر «موج» در مجموعه «دیوار»، دارای چهار بند است. هر بند، از چهار پاره تشکیل شده، اما ارکان در پاره‌ها با یکدیگر، یکسان نیست:

تو در چشم من همچو موجی
خروشنده و سرکش و ناشکیبا
که هر لحظه‌ات می‌کشاند به سویی
نسیم هزار آرزوی فریبا

تو موجی

تو موجی و دریای حسرت مکانت
پریشان رنگین افق‌های فردا
نگاه مه آلوده دیدگانت
تو دائم به خود در ستیزی
تو هرگز نسداری سکونی
تو دائم ز خود می‌گریزی
تو آن ابر آشفته نیلگونی
چه می‌شد خدایا...

چه می‌شد اگر ساحلی دور بودم؟
شبی با دو بازوی بگشوده خود

ترا می‌ربودم... ترا می‌ربودم... (همان، ۸۱: ۱۳۵۰)

شعر « بندگی » در مجموعه « عصیان » در قالب چهار باره سروده شده و از نود و نه بند، تشکیل یافته است. در همه بندها، قافیه در مصراع‌های دوم و چهارم، رعایت شده و تنها تغییر، در بند اول است و قافیه در باره‌های اول، دوم و چهارم آمده است. تغییر دیگری که در این شعر وجود دارد، در بند چهل و دوم است که افزودن بر تعداد ارکان یکی از باره‌ها، واژه « شیطان » آمده است:

ای بسا شب‌ها که با من گفت و گو می‌کرد
شیطان: گوش من گویی هنوز از ناله لبریزست
تف بر این هستی، بر این هستی دردآلود
تف برین هستی که اینسان نفرت‌انگیزست

(فرخزاد، ۱۰۳: ۲۵۳۷)

شعر « ظلمت » و « سرود زیبایی » در همین مجموعه، در قالب چهار باره است و در تعداد ارکان در باره‌ها، تغییراتی صورت گرفته و باره‌ها کوتاه و بلند شده است.

۲. ۳. (عامی - آهنگی)

این عنوان به اشعاری داده شده که از یک سو، مصراع‌های آن، دارای وزن و گاهی نیز تمام شعر از وزن یکسان با ارکان مساوی برخوردار است. و کلیت شعر، دارای آهنگی یکنواخت و متناسب با موضوع است. از سوی دیگر، کاربرد قافیه، کلمات و ترمیم وزن، با استفاده از حذف و اضافه قسمتی از کلمات، به شیوه محاوره و عوام صورت گرفته است. با توجه به این دو مطلب، عنوان اینگونه اشعار را « عامی - آهنگی » گذاشته‌ایم.

در مجموعه « تولدی دیگر »، شعری به نام، « به علی گفت مادرش روزی... » وجود دارد که دارای ویژگی‌های یاد شده است.

برای نمونه قسمتی از آن ارائه می‌گردد:

علی کوچیکه،
علی بونه‌گیر
نصف شب از خواب پرید
چشماشو هی مالید با دس
پاشد نشس
چی دیده بود؟، چی دیده بود؟
خواب به ماهی دیده بود
یه ماهی، انگار که یه کپه دوزاری
انگار که یه طاق حریر
با حاشیه منجوق کاری
انگار که رو برگ گل لال عباسی
خامه دوزیش کرده بودن
قایم موشک بازی می‌کردن تو چشاش
دو تا نگین گرد صاف الماسی
همچی یواش
همچی یواش
خودشو رو آب دراز می‌کرد
که بادبزن فرنگیاش
صورت آبو ناز می‌کرد...

(فرخزاد، ۱۱۸: ۱۳۶۹)

۲.۴. نیمایی

او تعداد سی و دو شعر را، در این قالب سروده است که از نظر ویژگی‌های وزنی و قافیه، همانند قالب نیمایی است. برای نمونه یکی از این اشعار ارائه می‌گردد:

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه من آمدی

برای من ای مهربان چراغ بیاور

و یک دریچه که از آن

به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم.

(همان، ۹۶: ۱۳۶۹)

۲.۵. نیمایی نو (سبک شخصی فروغ)

این عنوان، به هفت شعر کتاب «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» داده شده است. به این دلیل که هم ویژگی‌های قالب نیمایی را در خود دارند و هم از آن، فراتر رفته و یک نوع آشنایی زدایی، نسبت به وزن عروضی و نیمایی در آن صورت گرفته است. قبل از تشریح این قالب شعری، دیدگاه‌های صاحب‌نظران و فروغ فرخزاد در این باره ارائه می‌گردد:

«ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» ۲۵۵ سطر است و وزن آن، مبتنی بر بحر مجتث (مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن) و مضارع (مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن) (شمیسا، ۲۵: ۱۳۷۲) می‌باشد.

«به نظر من، حالا دیگر دوره قربانی کردن «مفاهیم» به دلیل احترام گذاشتن به وزن، گذشته است. وزن باید باشد؛ من به این قضیه معتقدم. در شعر فارسی وزن‌هایی هست که شدت و ضربه‌های کمتری دارند و به آهنگ گفت و گو نیز نزدیک‌ترند؛ همان‌ها را می‌شود گرفت و گسترش داد. وزن باید از نو ساخته شود و چیزی که وزن را می‌سازد و باید اداره کننده وزن باشد - برعکس گذشته - زبان است» (طاهبار، ۲۲: ۱۳۷۶).

«اشکال در این است که این دو مسأله یعنی وزن و زبان از هم جدا نیستند؛ با هم می‌آیند و کلیدشان در خودشان است» (همان، ۲۳: ۱۳۷۶).

من از کتاب «تولد دیگر» ماه‌هاست که جدا شده‌ام. با وجود این، فکر می‌کنم که از آخرین قسمت شعر «تولد دیگر» می‌شود، شروع کرد - یک جور شروع فکری - مسأله زبان خودش حل می‌شود و زبان، وزن می‌آورد. اصل قضیه فکر است و محتوا» (همان، ۳۰: ۱۳۷۶).

وزن را در شعر فرخزاد، «وزن گفتاری» یا «حسی» بنامیم. وزنی که کمتر حالت و لازم‌ترین حالت وزنی را دارد. به بیان، نزدیک‌تر است؛ نه به نثر معمول؛ فقط حالت گفتار را کلمات شعری تغییر می‌دهد (آزاد، ۱۹۷: ۱۳۷۶).

«نیما بحور عروضی را شکست و فروغ آن را اتفاقاً در جهت ایده‌آل نیما - که به محاوره نزدیک کردن زبان شعری بود - حرکت داد» (آزاد، ۳۱۱: ۱۳۷۶).

همانگونه که دیده می‌شود، تنها نظر دکتر شمیسا که وزن عروضی در دو بحر مجتث و مضارع را برای این اشعار ارائه می‌دهد، در مسیر نظرات دیگران قرار ندارد؛ به نظر می‌رسد که دکتر شمیسا، تنها با اتکاء به وزن «سماعی - حسی» این نظریه را ارائه داده است. و اگر مصراع‌ها را در تقطیع عروضی قرار دهیم، خواهیم دید که این نظریه نمی‌تواند وزن شعر را تأمین نماید. ابتدا مصراع‌ها را از شعر «پنجره» را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ سپس به سه مصراع از شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» که مورد نظر دکتر شمیسا است، می‌پردازیم. در شعر «پنجره» مصراع‌ها وجود دارد که از نظر سماعی وزن آن (مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلاتن) می‌شود؛ اما پس از تقطیع عروضی، متوجه می‌شویم

پنجره که برای نمونه آورده شد، در همان وزن می‌گنجد؛ ولی برای این که آهنگ و وزن اصلی (بحر مضارع) رعایت شود، از آوردن «مفتعلن» که مربوط به بحر رجز می‌باشد، امتناع می‌شود تا آهنگ کلی شعر حفظ شود. با ارائه این شعر، ویژگی‌های وزنی آن مشخص‌تر می‌گردد:

| | | |
|--------------------------------------|---|----------------------------------|
| U - U - / U - - | دیدن | یک پنجره برای |
| مفعول / فاعلات | | |
| U - U - / U - - | شنیدن | یک پنجره برای |
| مفعول / فاعلات | | |
| U - U - / U - - | حلقه چاهی | یک پنجره که مثل |
| مفعول / فاعلات | | |
| - U - / U - - | به قلب زمین می‌رسد | در انتهای خود |
| مفعول / فاعلن | | |
| | و باز می‌شود به سوی وسعت این مهربانی مکرر آبی رنگ | |
| U - U - / U - - | های کوچه تنهایی | یک پنجره که دست |
| مفعول / فاعلات | | |
| U - U - / U - - U / U - U - / U - - | | از بخشش شبانه عطر ستاره‌های کریم |
| مفعول / فاعلات / مفاعیل / فاعلات | | |
| - U - / U - - | | سرشار می‌کند |
| مفعول / فاعلن | | |
| -- U / - U - U | | و می‌شود از آن جا |
| مفاعلن / فعولن | | |
| -- U / U - U - / U - - | ی شمعدانی مهمان کرد | خورشید را به غربت گل‌ها |
| مفعول / فاعلات / فعولن | | |
| - / U - U - / U - - | کافیست | یک پنجره برای من |
| مفعول / فاعلات / فع | | |
| - / - U U / - U - U | می‌آیم | من از دیار عروسک‌ها |
| مفاعلن / فعلاتن / فع | | |
| -U - U - / U - - U / U - U - / U - - | | از زیر سایه‌های درختان کاغذی |
| مفعول / فاعلات / مفاعیل / فاعلن | | |
| -- U / U - U - / U - - | | در باغ یک کتاب مصور |
| مفعول / فاعلات / فعولن | | |
| - U / U - U - / U - - | ی عقیم دوستی و عشق | از فصل خشک تجربه‌ها |
| مفعول / فاعلات / فعل | | |
| -- U - / U - - | معصومیت | در کوچه‌های خاکی |
| مفعول / فاعلاتن | | |
| U - U - / U - - | حروف پریده رنگ الفبا | از سال‌های رشد |
| مفعول / فاعلات | | |

| | | |
|-------------------------|--------------------------------|-----------------------|
| U -- / | باید، باید، باید | دریافتیم |
| مفعول / فاعل | | |
| -- U /U - U - /U -- | | دیوانه وار دوست بدارم |
| مفعول / فاعلات / فاعولن | | |
| U - U - /U -- | من کافیست | یک پنجره برای |
| مفعول / فاعلات | | |
| -- U - /U -- | ی آگاهی و نگاه و سکوت | یک پنجره به لحظه |
| مفعول / فاعلاتن | | |
| -- U - /U -- | | اکنون نهال گردو |
| مفعول / فاعلاتن | | |
| U - U - /U -- | که دیوار را برای برگ‌های جوانش | آن قدر قد کشیده |
| مفعول / فاعلات | | |
| - /U -- | | معنی کند |
| مفعول / فاع | | |
| - /U -- | بپرس | از آینه |
| مفعول / فاع | | |
| U - /U -- | دهنده‌ات را | نام نجات |
| مفعول / فاع | | |
| U - U - /U -- | پای تو می‌لرزد | آیا زمین که زیر |
| مفعول / فاعلات | | |
| U - U - /U -- | | تنهاتر از تو نیست |
| مفعول / فاعلات | | |
| U - /U -- | رسالت ویرانی را | پیغمبران |
| مفعول / فاع | | |
| U - /U -- | ما آوردند | با خود به قرن |
| مفعول / فاع | | |
| -- U /U - U - /U -- | | این انفجارهای بی‌پایی |
| مفعول / فاعلات / فاعولن | | |
| U - - U /- U - U | | و ابرهای مسموم |
| مفاعیلن / مفاعیل | | |
| -- U - /U -- | های مقدس هستند | آیا طنین آیه |
| مفعول / فاعلاتن | | |
| -- U - /U -- | ای همخون | ای دوست، ای برادر |
| مفعول / فاعلاتن | | |
| U - /U -- | رسیدی | وقتی به ماه |
| مفعول / فاع | | |

| | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|-------------------------------|
| U - U - /U - - | گل‌ها را بنویس | تاریخ قتل عام |
| مفعول / فاعلات | | |
| - U / - U - U | | همیشه خوب‌ها |
| مفاعِلن / فعل | | |
| U - U - /U - - | لوحی خود پرت می‌شوند و | از ارتفاع ساده |
| مفعول / فاعلات | می‌میرند | |
| - - U / U - U - /U - - | می‌بویم | من شبدر چهار پری را |
| مفعول / فاعلات / فاعِلن | | |
| U - - / - U - U / - - U U / - U - U | | که روی گور مفاهیم کهنه رویدست |
| مفاعِلن / فاعِلتن / مفاعِلن / فع لات | | |
| - U / U - U - /U - - | انتظار و عصمت خود خاک شد | آیا زنی که در کفن |
| مفعول / فاعلات / فعل | جوانی من بود؟ | |
| - U - /U - - | از پله‌های کنجکاو خود بالا | آیا دوباره من |
| مفعول / فاعِلن | خواهم رفت | |
| U - U - / U - - | که در پشت بام خانه قدم | تا به خدای خوب |
| مفعول / فاعلات | می‌زند، سلام بگویم؟ | |
| U - - U /U - U - / U - - | | حس می‌کنم که وقت گذشته است |
| مفعول / فاعلات / مفاعِلن | | |
| - - U - / U - - | سهم من از برگ‌های تاریخ است | حس می‌کنم که لحظه |
| مفعول / فاعلاتن | | |
| - U - / U - - | فاصله کاذبی است در میان گیسوان - | حس می‌کنم که میز |
| مفعول / فاعلات | | من و دستهای این غریبه‌ی غمگین |
| | | حرفی به من بزن |
| ژ - U - / U - - | | |
| مفعول / فاعِلن | | |
| U - U - / U - - | بانی یک جسم زنده را به تو | آیا کسی که مهر |
| مفعول / فاعلات | می‌بخشید | |
| - - U - / U - - | بودن از تو چه می‌خواهد؟ | جز درک حس زنده |
| مفعول / فاعلاتن | | |
| - U - / U - - | | حرفی به من بزن |
| مفعول / فاعِلن | | |
| - - U / U - U - / U - - | | من در پناه پنجره‌ام |
| مفعول / فاعلات / فعل | | |
| - - U / U - U - U / U - - | | با آفتاب رابطه دارم |
| مفعول / فاعلات / فاعِلن | | |

| | | | |
|------------------|---------------------|--|--|
| | | نمونه این وزن در شعر « دل‌م برای باغچه می‌سوزد » | |
| -- U / - U - U | کسی به فکر گل‌ها | نیست | |
| | | مفاعیلن / فاعولن | |
| -- U / - U - U | کسی به فکر ماهی | ها نیست | |
| | | مفاعیلن / فاعولن | |
| -- / - U - U | کسی نمی‌خواهد | | |
| | | مفاعیلن / فع لن | |
| U - U - / U - - | باور کند که باغ | چه دارد می‌میرد | |
| | | مفعول / فاعلات | |
| -- U U / - U - U | که قلب باغچه در زیر | ر آفتاب ورم کرده است | |
| | | مفاعیلن / فعلاتن | |
| -- U U / U - U | که ذهن باغچه دارد | آرام آرام | |
| | | مفاعیلن / فعلاتن | |
| U - U - / U - - | از خاطرات سبز | تهی می‌شود | |
| | | مفعول / فاعلات | |
| / U - U - U | و حس باغ - | چه انگار | |
| | | مفاعیلن / | |
| U - U - / U - - | چیزی مجرد است | که در انزوای باغچه پوسیده ست | |
| | | مفعول / فاعلات | |
| | | نمونه این وزن در شعر « بعد از تو » | |
| - U - / U - - | بعد از تو ما به هم | خیانت کردیم | |
| | | مفعول / فاعیلن | |
| - U - / U - - | بعد از تو ما تما - | م یادگاری‌ها را | |
| | | مفعول / فاعیلن | |
| U - U - / U - - | با تکه‌های سرب | و با قطره‌های منفجر شده خون | |
| | | مفعول / فاعلات | |
| U - U - / U - - | از گیج گاه‌های | گیج گرفته دیوارهای کوچه زدودم | |
| | | مفعول / فاعلات | |
| | | نمونه این وزن در شعر « کسی که مثل هیچ‌کس نیست » | |
| - U - / U - - | من خواب دیده‌ام | که کسی می‌آید | |
| | | مفعول / فاعیلن | |
| - U - / U - - | من خواب یک ستا - | ره قرمز دیده‌ام | |
| | | مفعول / فاعیلن | |
| - / - U - U | و پلک چشمم | هی می‌پرد | |
| | | مفاعیلن / فع | |
| - / - U - U | و کفش‌هایم | هی جفت می‌شود | |

| | |
|-------------------|----------------|
| مفاعِلن / فع | و کور شوم |
| - / U U - U | |
| مفاعِل / فع | اگر دروغ بگویم |
| - - U U / - U - U | |
| مفاعِلن / فعلاتن | |

(فرخزاد، ۸۰: ۱۳۷۷)

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی قالب‌های شعر فروغ فرخزاد، نتیجه گرفته می‌شود که او در قالب‌های عروضی و نیمایی شعر سروده و حرکت او همگام با تفکرش، از شعر عروضی به نوآوری فردی بوده است. در ضمن، او با تبحر و تعمق در قالب نیمایی و ارائه اشعار خود در این قالب، در صدد نوجویی و گسترش آن بوده است. در این کار، بدون الگو گرفتن از قالب‌های شعری غرب و نیز قالب‌هایی که شعرای متجدد فارسی ارائه داده‌اند، در پی نوجویی بوده و تلاش نموده است که ضمن رعایت وزن به عنوان عنصر جدا نشدنی شعر، آن را به طبیعت نثر نزدیک نماید؛ این کارکرد را در هر پاره شعر، به طور جداگانه به کار برده؛ ضمن آن که آهنگ کلی شعر را از نظر دور نداشته است. در این قالب (نیمایی نو یا سبک شخصی فروغ) وزن و کلمه در یک تناسب (آهنگی - معنایی) قرار دارند. برای نمونه، در پاره‌ای از شعر پنجره که در متن آمد، کلمه «لحظه» را در مقابل رکن «مفاعِلن» که اختصاص به بحر سریع دارد، قرار می‌دهد تا عبور تند لحظه را با رکن سریع مفاعِلن هم آهنگ سازد. این نوآوری متعلق به اوست.

منابع

- آزاد، م. (۱۳۷۶). پربشادخت شعر، زندگی و شعر فروغ فرخزاد، تهران: ثالث.
- استعلامی، محمد. (۲۵۳۶). بررسی ادبیات امروز ایران، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم.
- خانلری، پرویز. (۱۳۷۷). وزن شعر فارسی، تهران: توس، چاپ دوم.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، تهران: انتشارات علمی، چاپ هفتم.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). نگاهی به فروغ فرخزاد، تهران: مروارید.
- طاهباز، سیروس. (۱۳۷۶). زندگی و هنر فروغ فرخزاد، تهران: زریاب، چاپ دوم.
- عبوقی. (۱۳۴۳). ورقه و گلشاه، به اهتمام ذبیح‌اله صفا، تهران: انتشارات دانشگاه.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۶۹). تولدی دیگر، تهران: مروارید، چاپ شانزدهم.
- _____ (۱۳۵۰). دیوار، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.
- _____ (۲۵۳۷). عصیان، تهران: امیرکبیر، چاپ دهم.
- _____ (۱۳۷۷). ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، تهران: مروارید، چاپ دوازدهم.
- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۷). تاریخ تحلیلی شعر نو، تهران: نشر مرکز.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۷). دیوان شمس، به اهتمام استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: نشر نغمه.